

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان

نازنین حقیقت بیان^{*}

۱- دکتری روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن. (استادیار و هیئت علمی دانشگاه طلوع مهر).

چکیده

انگیزش و پیشرفت تحصیلی از شاخص‌های بنیادین کارآمدی نظام‌های آموزش عالی به شمار می‌روند که تحت تأثیر متغیرهای روان‌شناختی، شناختی و بافتی گوناگونی شکل می‌گیرند. در میان پیش‌آیندهای زیربنایی شخصیت، سبک‌های دلبستگی به عنوان الگوهای تثبیت‌شده سازگاری عاطفی و شناختی، نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت انرژی روانی دانشجویان به سوی کنش‌وری آکادمیک ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی و سنتز نظام‌مند رابطه سبک‌های دلبستگی با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان و شناسایی سازوکارهای میانجی و تعدیل‌کننده حاکم بر این روابط به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش به شیوه مروری نظام‌مند انجام شد. با جستجوی هدفمند در پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر داخلی و بین‌المللی نظیر ScienceDirect، SID، PubMed، Scopus و Noormags با استفاده از کلیدواژه‌های تخصصی در بازه زمانی مشخص، اسناد و مقالات مرتبط شناسایی شدند. پس از ارزیابی کیفی، غربالگری و اعمال معیارهای دقیق ورود و خروج، مقالات همسو با اهداف پژوهش انتخاب و با رویکرد تحلیل محتوای مضمونی و سنتز تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفتند. سنتز یافته‌های پژوهش‌ها نشان داد که سبک دلبستگی ایمن همبستگی مثبت و معناداری با مؤلفه‌های انگیزش درونی، اشتیاق تحصیلی، جهت‌گیری هدف تسلط‌محور و بهبود پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد. در مقابل، سبک‌های دلبستگی ناایمن اضطرابی و اجتنابی رابطه منفی و معناداری با انگیزش تحصیلی نشان داده و پیش‌بینی‌کننده افت عملکرد تحصیلی، فرسودگی، اهمال‌کاری و اجتناب از موقعیت‌های چالش‌برانگیز یادگیری هستند. علاوه بر این، متغیرهای روان‌شناختی شامل خودکارآمدی تحصیلی، تاب‌آوری، خودتنظیمی و مهارت‌های حل مسئله به عنوان میانجی‌های شناختی-هیجانی قوی عمل کرده و کیفیت رابطه استاد-دانشجو و جو روانی-حمایتی کلاس، اثرات منفی سبک‌های ناایمن را تعدیل می‌نمایند. بر مبنای یافته‌ها، سبک‌های دلبستگی از طریق بازنمایی‌های درونی خود و دیگران، مسیر دستیابی به اهداف تحصیلی را جهت‌دهی می‌کنند. بنابراین، ارتقای سلامت روان و موفقیت آکادمیک دانشجویان نیازمند طراحی مداخلات شناختی-رفتاری، ایجاد پایگاه‌های امن روان‌شناختی در دانشگاه‌ها، آموزش سبک‌های تدریس حمایتی به اساتید و توانمندسازی سازه‌های میانجی نظیر خودکارآمدی و تاب‌آوری است.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، انگیزش تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی، دانشجویان

۱. مقدمه

نظام آموزش عالی به عنوان یکی از ارکان حیاتی توسعه پایدار در هر جامعه‌ای، همواره با چالش‌های متعددی در زمینه ارتقای کیفیت یادگیری و تضمین موفقیت تحصیلی دانشجویان روبروست که در این میان، بررسی عوامل روان‌شناختی زیربنایی از اهمیت دوچندانی برخوردار است. پیشرفت تحصیلی نه تنها بازتابی از توانمندی‌های شناختی فرد است، بلکه متأثر از ساختارهای شخصیتی و الگوهای ارتباطی اولیه‌ای است که فرد در طول دوران رشد خود تجربه کرده است (عظیم پور و همکاران، ۱۴۰۰). بر اساس نظریات نوین روان‌شناسی تربیتی، انگیزش تحصیلی به عنوان نیروی محرک‌ای عمل می‌کند که دانشجو را به سمت اهداف آموزشی سوق می‌دهد و هرگونه اختلال در این فرآیند می‌تواند منجر به افت عملکرد و کاهش بهره‌وری علمی شود (Haji Vosough et al., ۲۰۲۲). روان‌شناسان بر این باورند که تجربیات دوران کودکی و کیفیت روابط با مراقبان اولیه، بستری را فراهم می‌آورد که بر اساس آن، الگوهای ذهنی فرد نسبت به خود و دیگران شکل می‌گیرد و این الگوها در بزرگسالی، در قالب سبک‌های دلبستگی، تمامی ابعاد زندگی از جمله تعاملات دانشگاهی و اشتیاق به یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند (وفا و همکاران، ۱۴۰۰). دلبستگی به عنوان یک پیوند عاطفی پایدار، چارچوبی را ایجاد می‌کند که دانشجو از طریق آن به کاوش در محیط علمی می‌پردازد و در صورت وجود دلبستگی ایمن، فرد با اعتماد به نفس بیشتری با چالش‌های تحصیلی روبرو می‌شود (Samadyar, ۲۰۲۵). در مقابل، سبک‌های دلبستگی ناایمن می‌توانند به عنوان موانعی جدی در مسیر تجلی پتانسیل‌های علمی عمل کرده و با ایجاد اضطراب یا اجتناب، تمرکز و انگیزش لازم برای دستیابی به مدارج بالای علمی را مختل سازند (Ye et al., ۲۰۲۴).

مسئله اصلی در این حوزه پژوهشی، تبیین دقیق این موضوع است که چگونه تفاوت‌های فردی در سیستم دلبستگی می‌تواند تفاوت در انگیزه‌های درونی و بیرونی دانشجویان را توجیه کند و در نتیجه به نتایج متفاوت در پیشرفت تحصیلی منجر شود. دانشجویانی که دارای دلبستگی ایمن هستند، معمولاً از خودکارآمدی تحصیلی بالاتری برخوردارند و در مواجهه با شکست‌های مقطعی، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین، تحقیقات نشان داده است که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با مجموعه‌ای از پیامدهای منفی از جمله اضطراب امتحان، کاهش اشتیاق تحصیلی و حتی گرایش به رفتارهای آسیب‌زا در محیط دانشگاه همراه هستند (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۴). اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم انگیزش تحصیلی صرفاً یک ویژگی ایستا نیست، بلکه تحت تأثیر تعاملات اجتماعی و حمایت‌های ادراک شده در محیط‌های آموزشی تغییر می‌کند (Maryam et al., ۲۰۲۵). در واقع، رابطه استاد-دانشجو نیز می‌تواند به عنوان بازتولیدی از الگوهای دلبستگی اولیه عمل کرده و بر میزان درگیری تحصیلی فرد تأثیر بگذارد (Garcia-Rodriguez et al., ۲۰۲۳). با توجه به ورود فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی به عرصه آموزش، نقش متغیرهای تعدیل‌گر در رابطه بین دلبستگی و موفقیت تحصیلی پیچیده‌تر شده است و نیاز به بررسی‌های عمیق‌تر در این حوزه بیش از پیش احساس می‌شود (Kim et al., ۲۰۲۵). بنابراین، هدف از این مقاله مروری، تحلیل نظام‌مند شواهد موجود برای درک بهتر مکانیسم‌های اثرگذاری سبک‌های دلبستگی بر مؤلفه‌های تحصیلی است تا بتوان از این طریق راهکارهای مداخله‌ای مناسبی برای ارتقای سلامت روان و موفقیت آموزشی دانشجویان تدوین نمود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. نظریه دلبستگی و ابعاد آن در دوره بزرگسالی و محیط های دانشگاهی

نظریه دلبستگی که نخستین بار توسط جان بالبی و مری اینسورث مطرح گردید، بر این فرض بنیادین استوار است که پیوندهای عاطفی اولیه کودک با مراقبان اصلی، پایه گذار «مدل های کاری درونی» از خود و جهان پیرامون می شود و این الگوها در طول تحول فردی تداوم یافته و شیوه تفسیر، بازنمایی شناختی و مواجهه با محیط را در دوران بزرگسالی جهت دهی می کنند (وفا و همکاران، ۱۴۰۰). بر اساس این دیدگاه، افراد دارای سبک دلبستگی ایمن دیدگاهی مثبت نسبت به توانمندی های خود و نیت های دیگران دارند؛ در حالی که افراد با سبک های ناایمن (شامل اضطرابی/دوسوگرا و اجتنابی) با عدم اطمینان نسبت به شایستگی خود، ترس مداوم از طرد شدن یا بی اعتمادی به منابع حمایتی دست و پنجه نرم می کنند (Ye et al., ۲۰۲۴). در بافت آموزش عالی، ورود به دانشگاه به منزله یک موقعیت چالش زا و استرس آور تلقی می شود که نیازمند استقلال، سازمان دهی رفتار و تعاملات گسترده است؛ بنابراین، دانشجویان متناسب با سیستم دلبستگی خود به این فضا پاسخ می دهند، به گونه ای که دانشجویان ایمن از پایگاه امن ذهنی خود برای کاوش در محیط های علمی بهره می برند، اما دانشجویان ناایمن انرژی روانی قابل توجهی را صرف مهار اضطراب های بنیادین خود می نمایند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این، سبک های دلبستگی تعیین کننده چگونگی بازنمایی روابط فرد با اساتید و هم تایان دانشگاهی است و نحوه ادراک حمایت های اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۴).

۲-۲. انگیزش تحصیلی: ابعاد، کارکردها و متغیرهای شناختی همبسته

انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از سازه های کلیدی در روان شناسی تربیتی، به فرآیندهای درونی و بیرونی اطلاق می شود که رفتار یادگیری را برانگیخته، جهت داده و تداوم می بخشد و نقش بسیار تعیین کننده ای در درگیری شناختی دانشجویان ایفا می کنند (کوهی مفتخری اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵). بر پایه نظریه خودتعیین گری، انگیزش در یک پیوستار از انگیزش درونی (علاقه خالص به یادگیری و میل به تسلط) تا انگیزش بیرونی (کسب پاداش، تأیید دیگران یا اجتناب از تنبیه) و بی انگیزگی گسترده است و تحقیقات تجربی نشان داده اند که خودکارآمدی تحصیلی به عنوان باوری استوار بر توانایی های فردی برای سازمان دهی و اجرای اقدامات لازم جهت دستیابی به اهداف، همبستگی مثبت بسیار قوی با انگیزش تحصیلی درونی دارد (Haji Vosough et al., ۲۰۲۲). دانشجویانی که از مهارت های حل مسئله، خودتنظیمی و تاب آوری بالاتری برخوردارند، انگیزش پایدارتری را در شرایط افت عملکرد نشان می دهند و تکالیف چالش برانگیز را فرصتی برای رشد تلقی می کنند (عظیم پور و همکاران، ۱۴۰۰). در محیط های آکادمیک، انگیزش فراتر از نمرات درسی است و در متغیرهایی نظیر اشتیاق تحصیلی، مسئولیت پذیری در قبال یادگیری و رشد فردی مداوم تجلی می یابد که همگی بازتابی از تعادل میان ساختارهای انگیزشی و مهارت های مقابله ای فرد هستند (Maryam et al., ۲۰۲۵).

۲-۳. پیشرفت تحصیلی و عوامل چندبعدی روانی-آموزشی مؤثر بر آن

پیشرفت تحصیلی شاخصی چندبعدی و فرآیندی است که بازتاب دهنده میزان دستیابی دانشجو به اهداف از پیش تعیین شده آموزشی، تسلط بر مفاهیم تخصصی و توانایی به کارگیری دانش در بافت های واقعی است و نباید آن را صرفاً به معدل نمرات دانشگاهی تقلیل داد (Shams et al., ۲۰۲۳). این متغیر تحت تأثیر تعاملی از ویژگی های زیستی، خانوادگی، روانی و محیط آموزشی قرار دارد؛ به طوری که پیشینه فرزندپروری، ترتیبات خانوادگی و توانایی های ارتباطی فرد زمینه ساز رشد شناختی مناسب و در نتیجه موفقیت تحصیلی پایدار می شوند (شب افروز و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین، سلامت روانی و ویژگی های رفتاری استادان، کیفیت تدریس و جو عاطفی حاکم بر محیط یادگیری به عنوان متغیرهای برون فردی قدرتمندی عمل می کنند که می توانند اثرات مثبت یا منفی عمیقی بر عملکرد دانشجویان بگذارند (شهابی و همکاران، ۱۳۹۸). با ورود ابزارهای نوین پردازش اطلاعات و مدل های مبتنی بر هوش مصنوعی به نظام آموزشی، مهارت های دانشجویان در بهره گیری بهینه از این ابزارها نیز به یکی از عوامل تسهیل کننده و تعیین کننده در کیفیت خروجی ها و پیشرفت تحصیلی تبدیل شده است (Kim et al., ۲۰۲۵).

۴-۲. پیشینه پژوهش های پیرامون رابطه دلبستگی با انگیزش و پیشرفت تحصیلی

شواهد پژوهشی متعددی مؤید این گزاره است که پیوند عاطفی و سبک های دلبستگی شکل گرفته در تجارب رشدی، پیش بینی کننده معنادار انگیزش پیشرفت و موفقیت های آموزشی در دوره های مختلف تحصیلی از جمله دوران دانشگاهی است (Samadyar, ۲۰۲۵). مطالعات نشان می دهند که افراد دارای سبک های دلبستگی ایمن به دلیل سطح بالاتر تحمل ناکامی و سبک های فرزندپروری باکفایت، احساس خودکارآمدی بیشتری در موقعیت های آکادمیک تجربه می کنند و انگیزه بالاتری برای یادگیری نشان می دهند (بیات مقدم، ۱۴۰۳). در مطالعات مروری سیستماتیک مشخص شده است که حتی رابطه دلبستگی میان معلم/استاد و یادگیرنده، به عنوان پایگاهی امن، نقش میانجی بسیار نیرومندی در تبدیل پتانسیل های انگیزشی به پیشرفت تحصیلی واقعی ایفا می کند (Garcia-Rodriguez et al., ۲۰۲۳). علاوه بر مهارت های اجتماعی و ویژگی های درون روانی، پردازش مناسب محیطی و اشتیاق یادگیری تحت تأثیر ساختار دلبستگی اولیه تنظیم می شود و افرادی که سبک های ناایمن را تجربه کرده اند، با افت انگیزش درونی و در نتیجه نوسانات نامطلوب در پیشرفت تحصیلی مواجه می شوند (میرزاخانی عراقی و همکاران، ۱۴۰۲).

۳. روش شناسی پژوهش (روش مرور)

پژوهش حاضر یک مطالعه مروری روایتی-تحلیلی است که با هدف بررسی جامع، ساختاریافته و نظام مند روابط میان سبک های دلبستگی با انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان، با اتکا به شواهد تجربی و مدل های نظری معتبر انجام پذیرفته است. فرآیند گردآوری داده ها و مستندات علمی از طریق جستجوی دقیق در پایگاه های اطلاعاتی معتبر ملی و بین المللی شامل Noormags و SID، Magiran، ERIC، Web of Science، PubMed، Scopus، Springer، ScienceDirect با استفاده از کلیدواژه های تخصصی فارسی و انگلیسی نظیر «سبک های دلبستگی»، «دلبستگی ایمن و ناایمن»، «انگیزش تحصیلی»، «انگیزش پیشرفت»، «پیشرفت تحصیلی»، «عملکرد تحصیلی دانشجویان»، «Attachment Styles»، «Academic Achievement»، «Academic Motivation» و «Academic Performance» با به کارگیری عملگرهای بولی

(AND, OR, NOT) به مرحله اجرا درآمد. ملاک های ورود مقالات به مطالعه مروری شامل: مقالات پژوهشی چاپ شده در نشریات علمی-پژوهشی معتبر، تمرکز بر متغیرهای اصلی پژوهش یا سازه های میانجی کلیدی مانند خودکارآمدی و مهارت های ارتباطی، جامعه آماری دانشجویان یا دانش آموزان سال های پایانی و دسترسی به متن کامل مقالات بود؛ در حالی که مقالات فاقد داده های تجربی شفاف، مقالات ارائه شده در همایش های فاقد داوری دقیق، یادداشت های سردبیری و آثاری که شاخص های پیشرفت یا انگیزش تحصیلی را بدون ابزارهای استاندارد اندازه گیری کرده بودند، از دامنه تحلیل خارج گردیدند.

در فرآیند غربالگری و تحلیل یافته ها، داده های استخراج شده از متون از منظر جهت گیری های نظری، نوع طرح پژوهش (همبستگی، مدلیابی معادلات ساختاری، مروری و فراتحلیل) و نقش متغیرهای میانجی و تعدیل کننده مورد ارزیابی عمیق قرار گرفتند. بر اساس این فرآیند، مشخص گردید که پژوهش های پیشین علاوه بر تأیید ارتباط مستقیم متغیرها، به بررسی مسیرهای غیرمستقیم ناشی از تعاملات ارتباطی و متغیرهای فردی نیز پرداخته اند. همچنین در مرحله ارزیابی کیفی، توجه ویژه ای به همگرایی یافته های حاصل از ابزارهای اندازه گیری دلبستگی بزرگسالان (نظیر پرسشنامه دلبستگی هازن و شیور یا کولینز و رید) و مقیاس های انگیزش تحصیلی (نظیر مقیاس ولراند و مقیاس هارتر) صورت گرفت تا چگونگی تبیین مؤلفه های سازگارانه و ناسازگارانه تحصیلی ناشی از الگوهای دلبستگی به شکل شفاف مدلبندی شود. علاوه بر این، در ارزیابی روش شناختی مطالعات، نحوه ادغام ابزارهای نوین فناورانه و مهارت های مقابله ای در بافت آکادمیک مورد تحلیل کیفی قرار گرفت تا تصویری جامع و مبتنی بر شواهد از روابط ساختاری این متغیرها به دست آید.

۴. یافته های پژوهش

۴-۱. تحلیل نقش سبک دلبستگی ایمن بر انگیزش، خودکارآمدی و عملکرد تحصیلی دانشجویان

بررسی جامع و نظام مند پیشینه پژوهش های انجام شده نشان می دهد که سبک دلبستگی ایمن به عنوان یک منبع روان شناختی پایدار، نقشی بنیادین و تعیین کننده در تقویت ابعاد مثبت یادگیری و انگیزش درونی دانشجویان ایفا می کند. دانشجویانی که در روابط اولیه و الگوهای فعال درونی خود از امنیت دلبستگی برخوردارند، تصویری مبتنی بر شایستگی از خود و دیدگاهی حاکی از اعتماد نسبت به محیط دانشگاهی دارند؛ این نگرش مثبت باعث می شود که با موقعیت های چالش برانگیز آکادمیک، نه به عنوان تهدیدی علیه عزت نفس، بلکه به منزله فرصتی برای یادگیری و گسترش توانمندی ها برخورد نمایند (Haji Vosoogh et al., ۲۰۲۲). این افراد در مواجهه با تکالیف دشوار و فشارهای تحصیلی، سطوح بالاتری از خودکارآمدی تحصیلی را بروز می دهند و از راهبردهای خودتنظیمی فعال برای پیشبرد اهداف علمی خود بهره می گیرند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۴). علاوه بر این، امنیت روانی برخاسته از این سبک، بستری فراهم می سازد که انگیزش درونی و میل به تسلط بر مطالب درسی تقویت شده و فرد بدون وابستگی افراطی به تشویق های بیرونی، در مسیر دستیابی به رشد فردی و موفقیت تحصیلی گام بردارد (Maryam et al., ۲۰۲۵). از منظر فرآیندهای انطباقی، دانشجویان با دلبستگی ایمن مهارت بیشتری در برقراری ارتباط با استادان و بهره گیری از حمایت های آموزشی و تحصیلی دارند و این تعاملات ارتباطی سازنده، مستقیماً به ارتقای میانگین نمرات و پیشرفت تحصیلی واقعی آن ها در سطوح مختلف دانشگاهی منتج می شود (Shams et al., ۲۰۲۳).

۴-۲. پیامدهای سبک های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و اضطرابی) بر رفتارها و افت عملکرد آکادمیک

در مقابل الگوهای ایمن، یافته های استخراج شده از ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که سبک های دلبستگی ناایمن (شامل سبک های ناایمن اجتنابی و ناایمن اضطرابی/دوسوگرا) با مجموعه ای از اختلالات در کارکردهای انگیزشی، رفتارهای خودآسیب رسان و افت محسوس عملکرد تحصیلی همراه هستند. دانشجویان با سبک دلبستگی اضطرابی به علت ترس مفرط از شکست، طرد شدن و ارزیابی منفی توسط استادان و همتایان، میزان بالایی از اضطراب امتحان و نشخوار فکری را تجربه می کنند که این امر منابع شناختی و حافظه فعال آن ها را محدود ساخته و مانع از تمرکز بر تکالیف درسی پیچیده می شود (Ye et al., ۲۰۲۴). این افراد به دلیل وابستگی بیش از حد به تأیید دیگران و پایین بودن تحمل ناکامی، در صورت مواجهه با نمرات پایین به سرعت دچار بی انگیزگی و احساس درماندگی می شوند (بیات مقدم، ۱۴۰۳). همچنین، دانشجویان با سبک دلبستگی اجتنابی، با اتخاذ مکانیسم های دفاعی انکار و فاصله گیری عاطفی، از درخواست کمک از اساتید یا مشارکت در فعالیت های گروهی علمی پرهیز می کنند و این انزوای خودخواسته، فرصت های یادگیری تعاملی را از آنان سلب نموده و اشتیاق تحصیلی را به شدت تنزل می دهد (وفا و همکاران، ۱۴۰۰). این عدم تعادل درون روانی و فقدان پایگاه امن در مواردی به افت شدید سلامت روان، رفتارهای پرخطر و بحران های خلقی در محیط های دانشگاهی منجر می گردد (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۴).

جدول ۱: مقایسه ویژگی های انگیزشی، شناختی و تحصیلی دانشجویان بر اساس سبک های دلبستگی

سبک دلبستگی	جهت گیری انگیزشی غالب	میزان خودکارآمدی تحصیلی	راهبرد مواجهه با چالش های درسی	نوع تعامل با استادان و همتایان	وضعیت پیشرفت تحصیلی
ایمن	انگیزش درونی بالا و تسلط محور	بالا و استوار	حل مسئله فعال و تاب آوری بالا	تعاملی، اعتمادبخش و جوینده کمک	عالی و پایدار
ناایمن اضطرابی	انگیزش بیرونی متمرکز بر جلب تأیید	پایین و شکننده	نشخوار فکری، اضطراب و درماندگی	وابستگی مفرط یا ترس از ارزیابی منفی	نوسانی و آسیب پذیر
ناایمن اجتنابی	بی انگیزگی یا انگیزش سطحی نمره محور	متوسط ظاهری با اجتناب شناختی	کناره گیری، انکار و فاصله گیری	انزواجویی و مقاومت در برابر کار گروهی	متوسط تا ضعیف

جدول ۱ به مقایسه تطبیقی سه سبک دلبستگی اصلی پرداخته و نشان می دهد که سبک دلبستگی ایمن به دلیل ترکیب انگیزش درونی، خودکارآمدی بالا و راهبردهای حل مسئله سازگارانه، زمینه ساز بهترین وضعیت پیشرفت تحصیلی است. در حالی که سبک اضطرابی به دلیل آسیب پذیری هیجانی و سبک اجتنابی به واسطه عدم تعامل سازنده و فاصله گیری از فرآیندهای یادگیری مشارکتی، دانشجویان را در معرض افت انگیزش و نوسانات نامطلوب تحصیلی قرار می دهند.

۴-۳. متغیرهای میانجی و واسطه‌ای در رابطه دلبستگی، انگیزش و پیشرفت تحصیلی

تحلیل داده‌های حاصل از مدل‌های معادلات ساختاری در پژوهش‌های بررسی شده بیانگر این واقعیت است که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پیشرفت تحصیلی صرفاً یک پیوند مستقیم و خطی ساده نیست، بلکه شبکه‌ای از متغیرهای میانجی روان‌شناختی و رفتاری در این مسیر نقش‌آفرینی می‌کنند. بر اساس شواهد، متغیرهایی چون تاب‌آوری تحصیلی، مهارت‌های جرأت‌ورزی و توانایی‌های حل مسئله به عنوان واسطه‌های قدرتمندی عمل می‌کنند که اثرات مثبت دلبستگی ایمن را تقویت و آثار مخرب دلبستگی‌های ناایمن را تعدیل می‌نمایند (عظیم پور و همکاران، ۱۴۰۰). سبک‌های فرزندپروری و کیفیت تعاملات درون خانواده نیز به عنوان بسترهای اصلی دلبستگی اولیه، از طریق افزایش خودکارآمدی تحصیلی و تقویت مهارت‌های پردازش محیطی، اشتیاق تحصیلی دانشجویان را بهبود می‌بخشند (میرزاخانی عراقی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین، تعاملات ارتباطی مناسب و مهارت‌های بین‌فردی زمینه‌ساز سازگاری با محیط دانشگاهی شده و مسیر ارتقای علمی را هموار می‌سازند (شب افروز و همکاران، ۱۴۰۰). شواهد حاکی از آن است که بهبود سبک زندگی و متمایزسازی خود نیز می‌تواند واسطه انتقال دلبستگی مثبت به عملکرد تحصیلی موفق باشد (وفا و همکاران، ۱۴۰۰).

جدول ۲: تحلیل نقش متغیرهای میانجی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پیامدهای آکادمیک

متغیر میانجی	نوع و جهت نقش واسطه‌ای	اثر سبک دلبستگی بر متغیر میانجی	اثر متغیر میانجی بر انگیزش و پیشرفت	منابع پشتیبان
خودکارآمدی تحصیلی	میانجی کامل/جزئی مثبت	اثر مثبت دلبستگی ایمن؛ اثر منفی دلبستگی ناایمن	افزایش انگیزش درونی و ارتقای چشمگیر عملکرد تحصیلی	اعتمادی و همکاران Haji (۱۳۹۴)؛ Vosoogh et al (۲۰۲۲)
تاب‌آوری و حل مسئله	میانجی تقویتی	دلبستگی ایمن موجب رشد تاب‌آوری و حل مسئله می‌شود	بهبود انطباق در شرایط دشوار آموزشی و پیشرفت درسی	عظیم پور و همکاران (۱۴۰۰)
اشتیاق و پردازش حسی	میانجی چندگانه	بسترهای دلبستگی و فرزندپروری ساختار اشتیاق را شکل می‌دهند	تداوم تلاش تحصیلی و کاهش فرسودگی آموزشی	میرزاخانی عراقی و همکاران (۱۴۰۲)
تعاملات ارتباطی سازنده	میانجی تسهیل‌کننده	سبک ایمن تعاملات را تسهیل کرده و سبک اجتنابی آن را تخریب می‌کند	افزایش یادگیری مشارکتی و بهبود سازگاری دانشگاهی	شب افروز و همکاران (۱۴۰۰)

جدول ۲ به وضوح نشان می‌دهد که چگونه سازه‌های شناختی و رفتاری نظیر خودکارآمدی، تاب‌آوری و مهارت‌های ارتباطی به عنوان پل‌های واسطه عمل کرده و انرژی روانی ناشی از دلبستگی ایمن را به انگیزش تحصیلی پایدار و دستاوردهای عینی آکادمیک تبدیل می‌نمایند.

۴-۴. نقش جو آموزشی، رابطه استاد-دانشجو و فناوری های نوظهور

ابعاد برون فردی و بافت محیط یادگیری نیز سهم عمده ای در نحوه بازنمایی دلبستگی در رفتارهای آکادمیک ایفا می کنند؛ به گونه ای که ویژگی های روانی استادان و نحوه تعامل آن ها با دانشجویان می تواند به عنوان یک عامل جبران کننده یا تشدید کننده عمل نماید. تحقیقات سیستماتیک نشان داده اند که رابطه استاد-دانشجو در صورتی که بر پایه پذیرش، همدلی و بازخورد سازنده بنا شود، می تواند نقشی مشابه یک پایگاه امن ثانویه را ایفا کند و دانشجویان با دلبستگی های ناایمن را به سمت افزایش انگیزش و درگیری فعال آکادمیک هدایت نماید (Garcia-Rodriguez et al., ۲۰۲۳). برعکس، وجود ویژگی های منفی رفتاری، افسردگی یا پرخاشگری در مدرسان می تواند به عنوان محرکی تنش زا، فضای کلاس را ناامن ساخته و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان را به مخاطره اندازد (شهابی و همکاران، ۱۳۹۸). از دیدگاهی دیگر، دلبستگی ایمن و انگیزش تحصیلی در بستر آموزش های مدرن، با توانایی فرد در پذیرش و به کارگیری ابزارهای دیجیتال و هوش مصنوعی درآمیخته است؛ دانشجویانی که از اعتماد به نفس و انگیزش درونی بالایی برخوردارند، از فناوری هایی چون ChatGPT به شکلی مؤثرتر و به عنوان ابزار کمکی یادگیری و پژوهش بهره می گیرند و خروجی های تحصیلی خود را ارتقا می دهند (Kim et al., ۲۰۲۵).

جدول ۳: بررسی ماتریس اثرات تعاملی محیط آموزشی، فناوری و پیوندهای عاطفی بر پیامدهای یادگیری

مؤلفه محیطی / فناوری	سازوکار اثرگذاری بر سیستم دلبستگی	تأثیر بر انگیزش تحصیلی	نتیجه در عملکرد و پیشرفت تحصیلی
رابطه استاد-دانشجو ایمن	ایجاد پایگاه امن ثانویه و کاهش اضطراب ارزیابی	ارتقای انگیزش درونی و مشارکت کلاسی	بهبود معنادار نمرات و درک عمیق دروس
جو عاطفی و سلامت استاد	کاهش تعارضات محیطی و ایجاد آرامش روانی	افزایش تمایل به حضور فعال در دانشگاه	پیشگیری از افت تحصیلی و فرسودگی
کاربرد فناوری و ابزارهای AI	تسهیل دسترسی به منابع، حل چالش های خودگردان	افزایش لذت یادگیری و درک سودمندی تحصیلی	سرعت بخشی به پژوهش و ارتقای کیفیت تکالیف

جدول ۳ ماتریس هم افزایی میان مؤلفه های برون فردی (رابطه با استاد، جو کلاس) و ابزارهای نوین فناوری را به تصویر می کشد و نشان می دهد که این عوامل می توانند اثرات سبک های دلبستگی را جهت داده و محیطی بهینه برای تبدیل انگیزش به موفقیت عملی خلق کنند.

۴-۵. سنتز یافته های ملی و بین المللی و تبیین تفاوت های بافتی

سنتز نهایی یافته های حاصل از پژوهش های صورت گرفته در ایران و سایر کشورها نشان دهنده یک همگرایی بین المللی بر سر تأثیرگذاری نیرومند سبک های دلبستگی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی است، هرچند تفاوت های فرهنگی و زمینه ای نیز در شدت این روابط مشاهده می شود. در پژوهش های انجام شده در کشورهای منطقه و محیط های دانشگاهی گوناگون، همواره دلبستگی ایمن به عنوان قوی ترین پیش بینی کننده انگیزش پیشرفت و موفقیت دانشگاهی شناسایی شده است.

(Samadyar, ۲۰۲۵). این همبستگی در میان دانشجویان رشته های مختلف از جمله علوم پایه و ریاضیات نیز با تکیه بر خودپنداره مثبت و انگیزش تحصیلی به اثبات رسیده است (Shams et al., ۲۰۲۳). این شواهد مؤید آن است که سبک های دلبستگی ساختاری جهان شمول در هدایت انرژی های روانی دانشجویان هستند که در بستر فرهنگ های آموزشی مختلف، نیازمند شناسایی دقیق و مداخلات مشاوره ای متناسب می باشند (کوهی مفتخری اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول ۴: سنتز مطالعات منتخب و مقایسه ضریب اثرات ابعاد دلبستگی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی

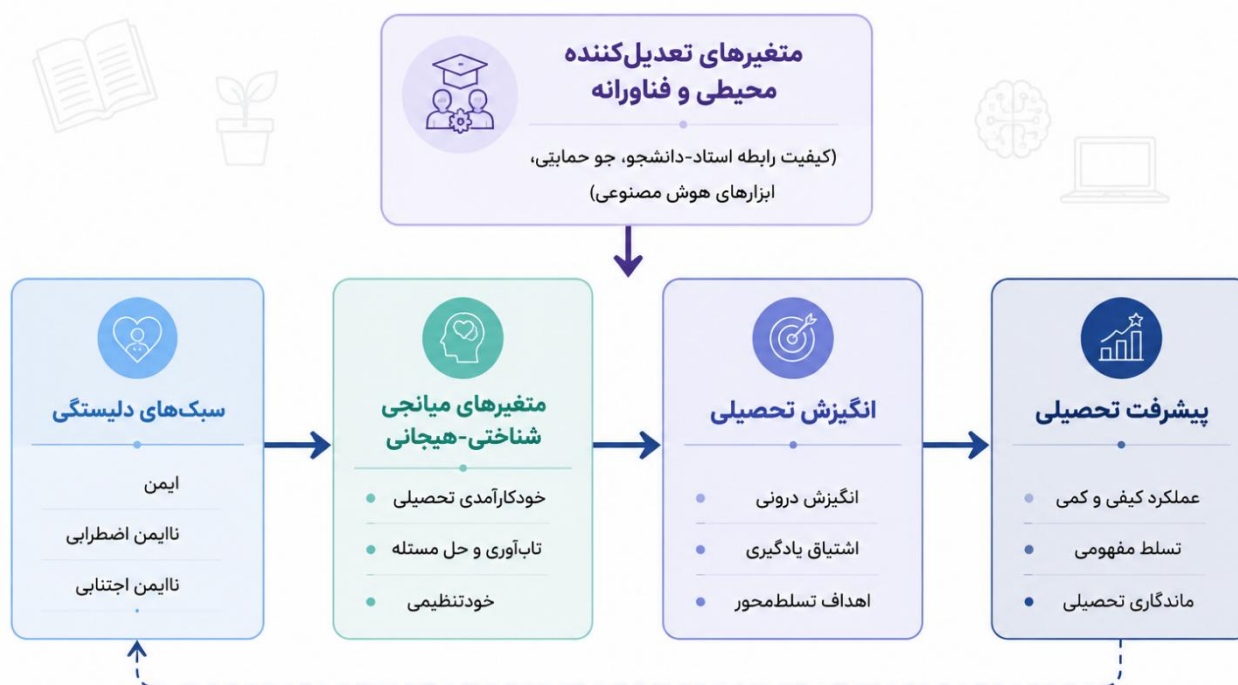
ردیف	پژوهشگران و سال	جامعه و نمونه آماری	ابزارهای اصلی سنجش	یافته های کلیدی و جهت روابط
۱	اعتمادی و سعادت (۱۳۹۴)	دانشجویان علوم پزشکی	دلبستگی کولینز و رید - خودکارآمدی جینک و مورگان	دلبستگی ایمن پیش بینی کننده مثبت خودکارآمدی؛ دلبستگی ناایمن پیش بینی کننده منفی
۲	کوهی مفتخری اصفهانی و همکاران (۱۳۹۵)	دانش آموزان و فراگیران دختر	پرسشنامه دلبستگی هازن و شیور - انگیزش پیشرفت هرمنس	ارتباط معنادار و مستقیم سبک ایمن با انگیزش پیشرفت و خودکارآمدی
۳	Haji Vosough et al. (۲۰۲۲)	دانشجویان دانشگاهی	مقیاس دلبستگی بزرگسالان - مقیاس انگیزش هارتر	تأیید مدل ساختاری؛ میانجی گری خودکارآمدی در اثر دلبستگی بر انگیزش
۴	Samadyar (۲۰۲۵)	دانشجویان دانشگاه تعلیم و تربیه	پرسشنامه دلبستگی و انگیزش تحصیلی استاندارد	همبستگی مثبت معنادار دلبستگی ایمن با انگیزش پیشرفت؛ اثر منفی دلبستگی ناایمن
۵	Shams et al. (۲۰۲۳)	فراگیران و دانشجویان ریاضی	آزمون های عملکرد شناختی و مقیاس های دلبستگی	سبک ایمن و انگیزش بالا تعیین کننده سطوح برتر عملکرد تحصیلی

جدول ۴ به صورت ترکیبی شواهد تجربی و همگرایی مطالعات مختلف را در بافت های گوناگون به نمایش می گذارد و نشان می دهد که فارغ از تفاوت های جزئی در ابزارهای اندازه گیری، همگی بر نقش محوری دلبستگی ایمن در ارتقای انگیزش و دستاوردهای عینی یادگیری توافق دارند.

۵. الگوی پیشنهادی و مدل مفهومی

بر مبنای تحلیل و سنتز نظام مند یافته های به دست آمده از مرور ادبیات پژوهش، می توان یک الگوی مفهومی جامع و چندسطحی را برای تبیین سازوکارهای مستقیم، غیرمستقیم و تعاملی حاکم بر روابط میان سبک های دلبستگی، انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان تدوین نمود. این الگو بر این فرض بنیادین استوار است که سبک های دلبستگی به عنوان پیش آیندهای زیربنایی و پایدار شخصیتی، صرفاً از طریق یک مسیر خطی ساده بر عملکرد تحصیلی اثر نمی گذارند، بلکه منظومه ای از عوامل میانجی شناختی-هیجانی و متغیرهای تعدیل کننده محیطی، فرآیند تبدیل انرژی روانی دلبستگی به پیامدهای عینی آکادمیک را شکل می دهند.

۱. در سطح نخست این مدل، سبک‌های دلبستگی (ایمن، ناایمن اضطرابی و ناایمن اجتنابی) به عنوان متغیرهای برون‌زاد و ساختاری قرار دارند. این سبک‌ها با شکل‌دهی به «مدل‌های کاری درونی» فرد، تعیین‌کننده احساس ارزشمندی، اعتماد به دیگران و نحوه مواجهه با تنش‌ها هستند. دلبستگی ایمن از طریق ایجاد یک پایگاه امن روان‌شناختی، نیروهای محرک یادگیری را فعال می‌سازد، در حالی که سبک‌های ناایمن با فعال‌سازی اضطراب ناشی از ترس از شکست یا مکانیسم‌های دفاعی انکار و کناره‌گیری، تمرکز و انرژی شناختی دانشجو را مستهلک می‌کنند.
۲. در سطح دوم، سازه‌های میانجی روان‌شناختی و فردی جای گرفته‌اند که شامل خودکارآمدی تحصیلی، تاب‌آوری، مهارت‌های حل مسئله، خودتنظیمی و تنظیم هیجان می‌شوند. دلبستگی ایمن با تغذیه این متغیرها موجب باور عمیق فرد به شایستگی‌های تحصیلی خود، پایداری در برابر ناکامی‌های مقطعی و اتخاذ راهبردهای مواجهه‌ای مسئله‌مدار می‌گردد. در نقطه مقابل، دلبستگی‌های ناایمن موجب شکنندگی خودکارآمدی و غلبه رفتارهای هیجان‌مدار و درماندگی آموخته‌شده می‌شوند. این متغیرهای میانجی، مسیر اثرگذاری سبک‌های دلبستگی بر مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی (شامل انگیزش درونی، اشتیاق یادگیری، هدف‌گزینی تسلط‌محور و کاهش بی‌انگیزگی) را هموار می‌سازند.
۳. در سطح سوم، متغیرهای تعدیل‌کننده بافتی و محیطی وارد عمل می‌شوند؛ این متغیرها شامل کیفیت تعامل و رابطه استاد-دانشجو، جو روانی-حمایتی حاکم بر کلاس‌های درس و میزان بهره‌گیری بهینه از فناوری‌های نوین آموزشی و ابزارهای هوش مصنوعی هستند. وجود یک مدرس همدل و ایجاد یک محیط امن آموزشی می‌تواند به عنوان پایگاه امن ثانویه عمل کرده و حتی آثار نامطلوب سبک‌های دلبستگی ناایمن را به طور چشمگیری تعدیل و مهار کند. در نتیجه، برآیند تعاملی این سه سطح به پیشرفت تحصیلی پایدار منتهی می‌شود که شاخص‌های آن فراتر از نمرات کمی، در عمق یادگیری مفهومی، تفکر انتقادی و توانمندی کاربرد دانش متجلی می‌گردد.



شکل ۱. الگوی مفهومی چندسطحی تبیین روابط سبک های دلبستگی با انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان با نقش میانجی متغیرهای شناختی-هیجانی و تعدیل کنندگی عوامل محیطی و فناورانه

این الگوی یکپارچه نشان می دهد که هرگونه برنامه مداخله ای در آموزش عالی باید از رویکردهای تقلیل گرایانه صرفاً آموزشی فاصله گرفته و بر تقویت احساس امنیت عاطفی، پرورش خودکارآمدی و بهینه سازی جو ارتباطی محیط های دانشگاهی متمرکز گردد.

شکل ۱ نشان دهنده مسیر مستقیم و غیرمستقیم اثرگذاری سبک های دلبستگی (ایمن، ناایمن اضطرابی و ناایمن اجتنابی) بر پیشرفت تحصیلی است. در این فرآیند، سازه های شناختی-هیجانی (شامل خودکارآمدی، تاب آوری، حل مسئله و خودتنظیمی) به همراه انگیزش تحصیلی در نقش متغیرهای میانجی زنجیره ای عمل کرده و متغیرهای بافتی (کیفیت تعامل استاد-دانشجو، جو روانی-حمایتی کلاس و ابزارهای فناورانه/هوش مصنوعی) نقش تعدیل کننده مسیرهای ارتباطی را بر عهده دارند.

۶. نتیجه گیری، پیامدها و چشم اندازهای پژوهشی

پژوهش مروری حاضر با هدف واکاوی و صورت بندی جامع روابط میان سبک های دلبستگی، انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی در بافت آموزش عالی به انجام رسید. سنتز یافته های مطالعات مورد بررسی مؤید آن است که سبک های دلبستگی به عنوان زیربنایی ترین الگوهای سازمان یافته شناختی-عاطفی، نقش پیش بین قدرتمند و معنا داری در فرآیندهای یادگیری ایفا می کنند. دانشجویان با دلبستگی ایمن به واسطه برخورداری از مدل های کاری درونی مثبت نسبت به خود و دیگران،

از سطوح بالاتری از خودکارآمدی، تاب آوری و مهارت های خودتنظیمی بهره مند بوده و این ویژگی ها مستقیماً به تقویت انگیزش درونی، اشتیاق تحصیلی و کسب دستاوردهای درخشان آکادمیک منجر می شود. در مقابل، دلبستگی های ناایمن (اعم از اضطرابی و اجتنابی) به عنوان عوامل خطر ساز روان شناختی عمل کرده و با ایجاد احساس بی ارزشی، ترس مزمن از ارزیابی منفی، اجتناب از کمک طلبی تخصصی و استهلاک منابع شناختی، افت انگیزش تحصیلی و تقلیل عملکرد عینی دانشجویان را رقم می زنند. همچنین، یافته ها بر نقش واسطه ای محوری متغیرهای شناختی-هیجانی و سازه های بافتی (مانند کیفیت رابطه استاد-دانشجو و جو روانی-حمایتی دانشگاه) تأکید دارند؛ به این معنا که محیط های آموزشی غنی و همدلانه می توانند به مثابه «پایگاه امن ثانویه» عمل نموده و آثار منفی دلبستگی های ناایمن را به طور چشمگیری خنثی یا تعدیل کنند. بر پایه نتایج این سنتز پژوهشی، نظام های آموزش عالی و برنامه ریزان دانشگاهی نیازمند بازنگری در راهبردهای آموزشی و توانمندسازی روان شناختی دانشجویان هستند:

۱. توسعه برنامه های مداخله ای و کارگاه های شناختی-رفتاری: برگزاری دوره های آموزشی متمرکز بر ارتقای خودتنظیمی، هوش هیجانی، راهبردهای حل مسئله و تقویت تاب آوری در مراکز مشاوره دانشگاهی برای دانشجویان با سبک های دلبستگی ناایمن ضروری است.
۲. بازتعریف و تقویت نقش ارتباطی اساتید: آموزش مدرسان دانشگاه در راستای اتخاذ رویکردهای تدریس حمایتی، ارائه بازخوردهای سازنده و غیرقضاوتی و ایجاد فضای امن کلاسی که امکان پرسشگری و ریسک پذیری علمی را بدون ترس از تحقیر فراهم می سازد.
۳. به کارگیری فناوری و اخلاقی هوش مصنوعی: طراحی پلتفرم های یادگیری شخصی سازی شده مجهز به هوش مصنوعی با بازخوردهای مثبت و ترغیب کننده که بتوانند به ویژه برای دانشجویان دارای دلبستگی اجتنابی، بستری بدون تنش میان فردی جهت یادگیری خودراهر فراهم آورند.

همانند هر پژوهش مروری، مطالعه حاضر با محدودیت هایی روبه رو بوده است:

۱. اتکای غالب ادبیات پژوهشی به طرح های همبستگی و مقطعی و استفاده از پرسشنامه های خودگزارش دهی، مانع از استنتاج قطعی روابط علی-معلولی می گردد.
۲. ناهمگونی در ابزارهای سنجش سبک های دلبستگی و متغیرهای انگیزشی در مطالعات مختلف، تعمیم پذیری مطلق یافته ها را با چالش مواجه می سازد.
۳. عدم کنترل دقیق متغیرهای جمعیت شناختی و فرهنگی-بافتی در برخی از پیشینه های در دسترس، تحلیل اثرات تقاطعی را محدود نموده است.

۶-۱. پیشنهاد های پژوهشی برای مطالعات آینده

۱. اجرای طرح های طولی و فراتحلیلی: انجام مطالعات پنل برای رصد تغییرات دلبستگی و انگیزش در طول مقاطع تحصیلی کارشناسی تا دکتری و سنجش اندازه اثر دقیق متغیرها از طریق فراتحلیل.
۲. آزمون تجربی مدل مفهومی پیشنهادی: استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) جهت اعتبارسنجی تجربی الگوی نظری چندسطحی ارائه شده در این مقاله در میان نمونه های متنوعی از دانشگاه های کشور.

۳. پژوهش های ترکیبی (آمیخته): بهره گیری از رویکردهای کیفی (پدیدارشناسی و گراند تئوری) برای واکاوی عمیق زیست جهان دانشجویان نایمن در مواجهه با چالش های تحصیلی.

منابع

- اعتمادی، عذرا، سعادت. (۱۳۹۴). نقش سلامت خانواده و سبک های دلبستگی در پیش بینی خودکارآمدی تحصیلی دانشجویان. دوماهنامه علمی-پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۸(۴)، ۱۹۵-۲۰۱.
- بیات مقدم. (۱۴۰۳). رابطه سبک های دلبستگی، فرزندپروری و تحمل ناکامی با خودکارآمدی تحصیلی در دختران متوسطه دوم شهر تهران. دستاوردهای روانشناسی بالینی، ۹(۴)، ۴۳-۵۴.
- کوهی مفتخری اصفهانی، محمودی، گلشنی. (۱۳۹۵). رابطه خودکارآمدی و سبک های دلبستگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی دختر. توانمندسازی کودکان استثنایی، ۷(۱)، ۲۳-۳۶.
- وفا، فلاحزاده، هاجر، احمدی، سرور، حمیدی، امید. (۱۴۰۰). مدل یابی معادلات ساختاری روابط سبک های دلبستگی و خود-متمایزسازی با عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه با نقش واسطه ای سبک زندگی ارتقاء بخش سلامت. پژوهش های مشاوره، ۷۹(۲۰)، ۱۱۱-۱۳۸.
- رحمانی، سیف الله، رحیمی، افتخار. (۱۴۰۴). پیش بینی گرایش به خودکشی بر اساس سبک های دلبستگی و صفات تاریک شخصیت با نقش میانجی حمایت اجتماعی ادراک شده در دانشجویان دانشگاه فرهنگیان. پژوهش های روانشناسی اجتماعی، ۱۵(۵۸)، ۱۷-۳۶.
- میرزاخانی عراقی، نوید، مظفری، مبینا، ساعی، شفق، ... آزاد. (۱۴۰۲). پیش بینی اشتیاق تحصیلی دانش آموزان ۱۶ تا ۱۸ ساله براساس مهارت های اجتماعی، سبک فرزندپروری ادراک شده و پردازش حسی. دوماهنامه علمی-پژوهشی طب توانبخشی، ۱۲(۳)، ۵۲۰-۵۳۳.
- شب افروز، افروز، غلامعلی، دلاور، اسدزاده دهرایی. (۱۴۰۰). بررسی نقش واسطه ای تعاملات ارتباطی در رابطه بین سن ورود به مدرسه و ترتیب تولد با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۱۰(۳)، ۸۰-۶۵.
- عظیم پور، اوضاعی، عصاره. (۱۴۰۰). ارائه مدل علی برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی بر اساس متغیرهای حل مسأله و جرأت ورزی دانش آموزان با واسطه گری تاب آوری تحصیلی. راهبردهای شناختی در یادگیری، ۹(۱۶)، ۱۱۹-۱۳۸.
- شهابی، سیده سارا، جعفری. (۱۳۹۸). نقش پرخاشگری، افسردگی و بهزیستی روان شناختی معلمان در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان راهنمایی شهر تبریز. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۸(۳)، ۱۲۷-۱۴۶.
- Haji Vosoogh, N. S., Tavakolizadeh, J., Pakdaman, M. (۲۰۲۲). Structural modeling of the role of attachment styles on students' academic motivation mediated by academic self-efficacy. Journal of Research and Health, ۱۲(۴), ۲۶۱-۲۷۰.
- Samadyar, I. A. (۲۰۲۵). Investigating the relationship between academic achievement motivation and attachment styles among students of Kabul Education. International Journal of Social Sciences, ۱(۲), ۴۹-۷۲.
- Maryam, Z., Tabassum, S., Zaman, M. Z., Shah, A. A. (۲۰۲۵). Impact of Attachment Style on Personal Growth and Academic Motivation among Students. Journal Of Psychology, Health And Social Challenges, ۲(۰۲), ۱۰۳-۱۰۹.
- Shams, F., Kadivar, P., Javadi, M. J. (۲۰۲۳). The relationship between attachment styles and achievement motivation with the performance level of students in mathematics. Research in Mathematics Education, ۲(۲), ۲۹-۴۳.

- Kim, M., Kim, J., Knotts, T. L., Albers, N. D. (۲۰۲۰). AI for academic success: Investigating the role of usability, enjoyment, and responsiveness in ChatGPT adoption. *Education and Information Technologies*, ۳۰(۱۰), ۱۴۳۹۳-۱۴۴۱۴.
- Garcia-Rodriguez, L., Redín, C. I., Abaitua, C. R. (۲۰۲۳). Teacher-student attachment relationship, variables associated, and measurement: A systematic review. *Educational Research Review*, ۳۸, ۱۰۰۴۸۸.
- Ye, Z., Wei, X., Zhang, J., Li, H., Cao, J. (۲۰۲۴). The impact of adverse childhood experiences on depression: The role of insecure attachment styles and emotion dysregulation strategies. *Current Psychology*, ۴۳(۵), ۴۰۱۶-۴۰۲۶.